

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، صفحات ۱۳۳-۱۵۳

## کاربست مکتب آنال در مطالعات روستایی ایران\*

محمدباقر خرمشاد و روح‌الله جعفری\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۹

### چکیده

پژوهش حاضر مدعی است که مطالعات روستایی در ایران با چالش‌ها و تنگناهای پژوهشی فراوان مواجه است، که از آن جمله‌اند: حاشیه‌ای بودن سنت تاریخ‌نگاری روستایی، غیبت برخی رویکردهای پژوهشی، تخصص‌گرایی، و عدم تعامل بین رشته‌های حاضر در پژوهش‌های روستایی. در این میان، مکتب آنال به مثابه رهیافت پژوهشی جامع و کل‌نگر - که تغییرات ساختاری وسیع جامعه در بلندمدت را در کانون توجه قرار می‌دهد - نه تنها قابلیت تحلیل مسائل پیچیده روستایی را دارد، بلکه می‌تواند با احیای سنت تاریخ‌نگاری و ارائه رویکرد پژوهشی میان-رشته‌ای، زمینه انجام مطالعات تاریخی پر دامنه پیرامون روستاهای کشور را فراهم کند.

**کلیدواژه‌ها:** رویکردهای پژوهشی / مکتب آنال / تاریخ‌نگاری روستایی / تخصص‌گرایی / رهیافت میان‌رشته‌ای / ایران.

\* \* \*

---

\* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری آقای روح‌الله جعفری در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی است.

\*\* به ترتیب، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی؛ و نویسنده مسئول و دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ru.jafari@gmail.com).

## مقدمه

روستا میدان مطالعه‌ای است که در رشته‌های مختلف دانشگاهی با سنت‌های پژوهشی متفاوت بدان پرداخته شده است. در این میان، رهیافت‌های جغرافیایی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی، و اقتصاد سیاسی از جمله مهم‌ترین سنت‌های مطالعات روستایی به‌شمار می‌روند. هر کدام از این رهیافت‌ها زیرشاخه‌ها و رشته‌های فرعی گوناگون را شامل می‌شوند و با تأکید بر موضوعات پژوهشی گوناگون، از مفاهیم، الگوها و نظریه‌های متعدد استفاده می‌کنند.

سنت جغرافیایی بیشتر بر جغرافیای کشاورزی و سازمان‌دهی و تأثیر فعالیت‌های انسانی بر فضای روستایی می‌پردازد. سنت جامعه‌شناختی تقابل جامعه روستایی و شهری، روابط اجتماعی در اجتماعات روستایی، جامعه‌شناسی کشاورزی و تغییر در جامعه روستایی را مورد مذاقه قرار می‌دهد. سنت انسان‌شناختی، به‌دلیل توجه به ساختارها و فرایندهای اجتماعی، اشتراکات زیادی با سنت جامعه‌شناختی دارد و بیشتر از لحاظ روش‌شناسی که فنون قوم‌شناسی را در مطالعات خود به‌کار می‌گیرد، با سنت جامعه‌شناختی تفاوت پیدا می‌کند. سنت اقتصاد سیاسی از دیگر رویکردهای مطالعه روستایی است که نگاه انتقادی به موضوعات روستایی دارد و آن را در چارچوب کلان سیاسی - اقتصادی سرمایه‌داری قرار می‌دهد و بر مفهوم طبقه (از منظر تضاد طبقاتی) و دولت (به‌مثابه عامل مؤثر در ایجاد شرایط مطلوب برای سرمایه‌داری) و همچنین، کشاورزی به‌منزله یک فعالیت سرمایه‌داری تأکید دارد (وودز، ۱۳۹۰: ۲۹-۳۹).

مسئله پژوهش حاضر روش‌شناختی است؛ در واقع، پژوهش حاضر درصدد یافتن و ارائه راه‌حلی برای مشکلات پژوهشی در حوزه روستایی است تا بتوان به پژوهش و شناخت جامع‌تر مسائل روستایی پرداخت.

پژوهش حاضر ابتدا نگاهی اجمالی به تنگناهای پژوهشی در زمینه مطالعات روستایی دارد و سپس، به جایگاه سنت تاریخ‌نگاری روستایی می‌پردازد و از رهگذر آن، مکتب آنال<sup>(۱)</sup> را به‌مثابه رویکرد جامع روستاپژوهی با تأکید بر بعد میان‌رشته‌ای آن

مورد توجه قرار می‌دهد و سرانجام، به سه نمونه از مطالعات روستایی با رهیافت تاریخ‌نگاری آنال اشاره می‌کند.

### تنگناهای پژوهش روستایی در ایران

در میان رشته‌های دانشگاهی و رهیافت‌های پژوهشی در زمینه مطالعات روستایی در ایران، برخی رشته‌ها و رهیافت‌ها نسبت به برخی دیگر جایگاهی مهم و مسلط یافته‌اند. در واقع، ناموزونی جایگاه رشته‌های دانشگاهی و نیز مسلط شدن برخی رهیافت‌ها در مطالعات روستایی از جمله مسائل پژوهش روستایی است. «در حوزه مسائل روستایی کشور، بهره‌مندی رشته‌های جغرافیا، تاریخ، جامعه‌شناسی و کشاورزی از مطالعات ادبیات نظری بیش از دیگر رشته‌های دانشگاهی است. در سال‌های اخیر، هر از گاهی جغرافیا و کشاورزی مستقل از رشته‌های دیگر و به اشکال مختلف به بازسازی و تداوم حضور خود در جامعه روستایی قوت بخشیده‌اند، اما دیگر رشته‌ها مانند جامعه‌شناسی، با تردیدها و سرخوردگی‌هایی روبه‌رو بوده‌اند. حاکمیت روش‌شناسی کمی و گسترش گرایش‌های جامعه‌شناسی ایستا و کم‌توجه به تاریخ نیز در این میان مؤثر بوده‌اند. جدایی، پراکندگی و عدم همبستگی میان مطالعات مختلف انجام‌شده و همچنین، موازی‌کاری عدم چالش را در این مطالعات به همراه داشته است» (طالب و عنبری، ۱۳۸۵: ۳۷). بنابراین، می‌توان جای خالی مباحث رشته‌ای و میان‌رشته‌ای از جمله تاریخ و مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی سیاسی روستایی را مشاهده کرد.

از سوی دیگر، فقدان رهیافت میان‌رشته‌ای<sup>(۲)</sup> به‌مثابه روش پژوهش در مطالعات روستایی از دیگر تنگناهای پژوهشی در این حوزه است. «هدف مطالعات میان‌رشته‌ای، در واقع، برطرف کردن بیگانگی میان علوم مختلف و آشتی دادن آنها برای روشنگری بهتر و فهم دقیق‌تر پدیده‌های طبیعی و اجتماعی است» (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۸: ۴۲). در حالی که امروزه، شاهدیم که رشته‌های مطالعات روستایی، از یک سو، هر کدام بخشی از واقعیت یا پدیده‌ای اجتماعی را موضوع مطالعه قرار داده‌اند و از سوی دیگر،

تحلیل‌های آنها در زمینه فقدان نگرشی کلان و جامع‌نگر با یکدیگر سرسازش ندارند و مورد انتقاد قرار می‌گیرند. از این روست که علی‌رغم انجام مطالعات متعدد و متنوع پیرامون موضوعات روستایی کشور، تاکنون هدفی که نقطه پیونددهنده رشته‌های چندگانه در این زمینه باشد، سرلوحه مطالعات موجود نبوده است. به همین دلیل، اول آنکه میزان همبستگی و انسجام بین‌رشته‌ای و حتی درون‌رشته‌ای مطالعات روستایی در کشور کاهش یافته و از جمله پیامدهای آن نیز همین مسئله است که محقق خود را در یک فضای به‌هم‌پیوسته از مجموع تحقیقات حس نمی‌کند؛ دوم آنکه محققان خود را در بیرون از یک جهان‌بینی علمی همبسته و کلی در نظر می‌گیرند. ضعف همبستگی بین‌رشته‌ای و درون‌رشته‌ای در مطالعات روستایی باعث شده است که پژوهشگران سرگرم اجرای پروژه خود شوند، بی‌آنکه خود و تحقیق خود را در فرایند علمی آن حوزه ببینند. به همین دلیل، هیچ‌گونه تعامل روش‌شناختی مشخص در این حوزه شکل نگرفته است (طالب و عنبری، ۱۳۸۵: ۴۱). این امر نشان می‌دهد که درک بین‌رشته‌ای در مطالعات روستایی وجود ندارد، چرا که درک میان‌رشته‌ای با انسجام بخشیدن به دانش و سبک تفکر در دو یا چند رشته علمی یا حوزه‌های تخصصی موجب تبیین یک پدیده، حل یک مسئله یا تولید یک محصول می‌شود، درحالی که به روش تک‌رشته‌ای یا تخصصی قابل دستیابی نیست (قهرمانی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

به‌طور کلی، پیامد فقدان ارتباط بین‌تحقیقی یا همان تفرق و جدایی‌خواهی تحقیقات و همچنین، پیمایش‌سالاری به‌صورت اصرار در به‌کارگیری نامتناسب روش‌های کمی و آماری مرسوم در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و به‌ویژه مسائل روستایی به دو شکل «پرسشنامه‌گرایی» و «تفرد» نمایان شده‌اند (عنبری، ۱۳۸۷: ۴). در واقع، تفرد در مطالعات روستایی موضوع شناخت‌شناسی است که مورد توجه پژوهش حاضر است و پرسشنامه‌گرایی نیز مرتبط با روش و شیوه پژوهش بوده، که از حوصله این بحث خارج است.

از جمله تمهیداتی که می‌توان برای کنار گذاشتن مشکلات پژوهشی پیش‌گفته در حوزه روستایی به کار بست، فهم کلیت جامعه روستایی و درک اجزای آن در کنار یکدیگر و همچنین، همکاری و همبستگی رشته‌های مختلف در فهم مسائل روستایی با رویکرد مسئله‌محوری است. برای نیل به مطالعاتی جامع، ورود از منظری خاص و پیشه کردن مفاهیم و نظریه‌های یک رشته تخصصی نارسا و ناکاراست؛ زیرا به تعبیر هانری مندراس<sup>(۳)</sup>، «محیط روستایی میدانی است برای تحقیق و مطالعه رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، و مطالعه آنها پدیدآورنده رشته علمی مستقل نیست» (طالب، ۱۳۸۳: ۴۲). در این میان، تاریخ اجتماعی روستایی محملی مناسب برای فهم کلیت جامعه روستایی است.

### سنت تاریخ‌نگاری روستایی

تاریخ اجتماعی روستایی به مطالعه نظام‌مند رفتار انسانی در طول زمان در محیط روستایی اشاره دارد. این تعریف دارای چهار اصطلاح کلیدی است: اول، «مطالعه نظام‌مند» در تاریخ، که شامل استفاده از نظریه در تعیین سؤالات پژوهش، تحلیل داده‌های کمی و منابع توصیفی، و کانونی کردن روش مقایسه‌ای و بین‌رشته‌ای است؛ دوم، «رفتار انسانی»، که تأکید بر تجربه تاریخ مردمانی دارد که در گذشته، به‌طور واقعی، زندگی می‌کرده‌اند؛ تاریخ اجتماعی روستایی متمرکز بر سبک زندگی روستاییان و فعالیت‌های کشاورزان، الگوهای خانوادگی، شیوه‌های کشاورزی، ساختارهای اجتماعی و نهادهای اجتماع است و همچنین، تأثیرات نیروهای اقتصادی، سیاسی و محیطی را بر رفتار انسان به‌منزله بخشی از یک تصویر بزرگ می‌بیند، و هدف نیز ارائه تاریخی جامع از زندگی روستایی است؛ سوم، «در طول زمان»، که تاریخ روستایی را از جامعه‌شناسی روستایی متمایز می‌سازد؛ مورخان، در درجه نخست، با تغییر مرتبط‌اند و به مطالعه تغییر رفتار اجتماعی از یک نسل به نسل دیگر یا از یک دوره تاریخی به دوره تاریخی دیگر می‌پردازند؛ و چهارم، «محیط روستایی» است؛ روستا نه تنها یک ناحیه

مشخص با تراکم جمعیتی کم و معیشت مبتنی بر کشاورزی است، بلکه جامعه‌ای با سنت و فرهنگ متمایز شناخته می‌شود (Swierenga, 1981: 212).

علی‌رغم اهمیت تاریخ اجتماعی روستایی، این شیوه تاریخ‌نگاری نسبت به تاریخ شهری و تاریخ اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، برخلاف تاریخ شهری که به صورت کلیتی منسجم مورد مطالعه قرار می‌گیرد، معمولاً جنبه‌های مختلف تاریخ روستایی با عناوینی چون تاریخ جغرافیای فرهنگی، تاریخ زمین، توسعه سرحداث، و سرفصل‌هایی از این دست مورد پژوهش قرار گرفته است. دلایل کم‌توجهی به تاریخ‌نگاری روستایی به جنبه‌های فرهنگی و روش‌شناختی برمی‌گردد:

اول) دلیل فرهنگی آن را می‌توان شهرگرایی<sup>(۴)</sup> حرفه‌ای‌ترین مورخان پس از جنگ جهانی دوم دانست؛ آنها در شهر زندگی می‌کنند و در دانشگاه‌هایی که در شهرها قرار دارند، آموزش می‌بینند و از این‌رو، به مسائل و مشکلات شهری می‌پردازند. یوگن وبر<sup>(۵)</sup>، استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا و مورخ برجسته نواحی روستایی فرانسه، در ۱۹۷۶، در کتاب خود به صراحت بدین تعصب اشاره می‌کند:

«تاریخی که من در مورد آن اندیشه و تدریس کرده و نگاشته‌ام، عمدتاً درباره شهرهاست؛ نواحی روستایی و شهرهای کوچک صرفاً ضمیمه تاریخ‌اند که تاریخ را دنبال می‌کنند و انعکاس می‌دهند و یا تنها به تماشای آنچه در جریان است، می‌نشینند؛ و جریان امور هم به درت به احوالات آنها مربوط می‌شود» (ibid.: 212).

دوم) دلیل دیگر به ماهیت تاریخ‌نگاری یا هستی‌شناسی آن مربوط بوده است؛ زیرا تاریخ‌نگاری تا میانه قرن نوزدهم بر تاریخ رخدادهای سیاسی تمرکز داشت و از میانه قرن هیجدهم بود که «تاریخ جامعه» آغاز شد، تاریخی که دیگر به جنگ و سیاست منحصر نبود، بلکه قوانین و تجارت، مسائل اخلاقی و طبایع را شامل می‌شد. در این راستا، میشله<sup>(۶)</sup> مورخان را به آنچه امروزه آن را «تاریخ فرودستان» توصیف می‌کنیم، فرامی‌خواند؛ «تاریخ آنهایی که رنج کشیده، کار کرده و مرده‌اند، بی آنکه توانا به شرح رنج‌هایشان باشند». به گفته فرانسوا سیمیان<sup>(۷)</sup>، در مقاله‌ای با عنوان «بت‌های قبیله‌ای

مورخان، سه بت هست که باید برانداخته شود: اول، بت سیاسی است که شیفته همیشه‌گی تاریخ سیاسی، حقایق سیاسی، جنگ‌ها و مانند آن بوده، به رویدادها اهمیتی اغراق‌آمیز می‌بخشد؛ دوم، بت‌های فردی و به دیگر سخن، تأکید وافر بر مردان بزرگ است؛ و سوم، بت رویدادنگاری است که به غوطه‌ور شدن در مطالعات ریشه‌ای عادت دارد. همچنین، دورکیم<sup>(۸)</sup> مخالف تاریخ‌نگاری رویدادمحور بود؛ زیرا به باور وی، رویدادهای ویژه تنها با تجلی‌های صوری و کم‌مایه‌شان آشکارا بر تاریخ واقعی ملتی معین ارجحیت پیدا کرده‌اند (برک، ۱۳۸۹: ۱۷-۲۱). مارک بلوک<sup>(۹)</sup> نیز بر این باور بود که مورخان باید از مشغول ساختن خود به رهبران یا رویدادهای بزرگ در تاریخ اجتناب ورزند؛ آنها باید به همان اندازه‌ای که به ساستمداران می‌پردازند، به چوپانان و دهقانان پردازند و از این طریق، چشم‌انداز کل جامعه را در اثر خود بگنجانند (فضلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۸). در چنین فضایی، مکتب تاریخی آنال در فرانسه پایه‌گذاری شد.

سوم) مورخان روستایی به دلیل بهره‌گیری از روش‌شناسی نامناسب با موانعی مواجه‌اند. مورخان به‌طور سنتی، به‌شدت بر منابع روایی یا ادبی متکی‌اند که این منابع ذاتاً نخبه‌گرایانه است. البته دست‌نوشته‌هایی مانند یادداشت‌های شخصی، نامه‌ها یا خاطرات شخصی درباره فعالیت‌های روزمره روستاییان وجود ندارد و کمتر اتفاق می‌افتد که روستاییان این قبیل یادداشت‌ها را نگه دارند. اما باید خاطر نشان کرد که تفسیر داده‌های رفتاری منتج از تحقیقات کمی و جمعیت‌شناختی و همچنین، مصنوعات فرهنگی و سنت‌های محلی همچون آهنگ‌ها، رقص، داستان‌ها، شعرها و عکس‌ها از منابع غنی برای تاریخ‌نگاری روستایی محسوب می‌شوند (Swierenga, 1981: 212).

در کنار دلایل عام غفلت از تاریخ‌نگاری روستایی، یکی از تنگناهای پژوهش روستایی در ایران فقدان و یا ضعف برخی سنت‌های پژوهشی و رشته‌های دانشگاهی است. در این میان، سنت تاریخی در مطالعات روستایی کشور انباشتی نبوده و روند آن به‌صورت تداوم و گسست بوده است، که شاید بتوان از جمله دلایل آن را نه در غفلت تاریخ‌نگاری بلکه در شیوه تاریخ‌نگاری جست‌وجو کرد؛ زیرا فضای جامعه ایران به‌ویژه

در یک قرن اخیر سیاسی، پرتحول و دستخوش دگرگونی‌های متعدد بوده، به گونه‌ای که در این دوره، تحولاتی چون دو انقلاب، دو کودتا، جنگ، جدایی‌طلبی، و اعتراضات مردمی را تجربه کرده است. بنابراین، در نوشتن تاریخ این کشور، تاریخ تحولات سیاسی نسبت به تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جذابیت و تقدم یافته است. ماهیت تاریخ سیاسی، از یک سو، به لحاظ تمرکز بر نهادها و قدرت سیاسی و همچنین، نیروهای سیاسی و دیوان‌سالاری، معطوف به شهرها و به ویژه مراکز سیاسی بوده و از سوی دیگر، با توجه به تأکید این نوع تاریخ‌نگاری بر وقایع و رخدادهای سیاسی و غیرسیاسی - از آنجا که روستاها به ندرت موجد رخداد بوده‌اند - مورد غفلت تاریخ‌نگاری سیاسی واقع شده و از این رو، امتناع تاریخ‌نگاری با صبغه سیاسی در حوزه‌ها و نواحی روستایی را موجب شده است. بنابراین، هرچند، به دلیل تنوع مناطق و مسائل روستایی، می‌توان تاریخ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فضای روستایی را پر دامنه پنداشت، اما این نوع تاریخ‌نگاری به طور عام در کشور و به طور خاص در روستاها کم‌رنگ جلوه می‌کند.

این گفته بدان معنی نیست که در مورد تاریخ روستایی، پژوهشی صورت نگرفته<sup>(۱۰)</sup>، بلکه مراد این است که بسیاری از این تاریخ‌نگاری‌ها تحشیه‌ای بر تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه بزرگ‌تر یعنی، ایران بوده است، که شاید به معنی دقیق کلمه نتوان آنها را تاریخ روستایی نامید؛ و همچنین، غلبه سنت پژوهشی اقتصاد سیاسی در مطالعات تاریخ روستایی به جهت‌دهی علائق پژوهشی خاص در بین محققان ایرانی انجامیده است و در نتیجه، رهیافت‌های دیگر مجال ظهور و بروز کمتری یافته‌اند؛ هرچند، آشکار کردن ماهیت رهیافت پژوهشی این تحقیقات نیز خود نیاز به پژوهش دیگری دارد. علاوه بر این، نکته قابل تأمل این است که اغلب پژوهش‌های معطوف به تاریخ‌نگاری روستایی در ایران به قبل از انقلاب برمی‌گردد؛ البته به نظر می‌رسد که در چند دهه اخیر، این موضوع به حاکم شدن پارادایم توسعه در قالب نظریات نوسازی و حاشیه‌ای شدن رویکردهای اقتصاد سیاسی در مطالعات روستایی مرتبط باشد.



## مکتب آنال

### پیشینه و ماهیت

مکتب مورخان آنال در اواخر دهه ۱۹۲۰ و بر محور مجله‌ای به نام «سالنامه تاریخ اقتصادی و اجتماعی» پدید آمد، در دهه‌های میانی سده بیستم به اوج شهرت رسید و اکنون نام مجله به «سالنامه اقتصاد و جامعه و تمدن» تغییر یافته است (مون، ۱۳۸۴: ۲۵). لوسین فور<sup>(۱۱)</sup> و مارک بلوک، فرنان برودل<sup>(۱۲)</sup> و امانوئل لو روی لدوری<sup>(۱۳)</sup> از مهم‌ترین تاریخ‌نگاران آنال به‌شمار می‌روند که نقشی مؤثر در تاریخ‌نگاری و روش‌شناسی تاریخی ایفا کرده‌اند. از این میان، فور متأثر از دولا بلاش<sup>(۱۴)</sup> و با تأکید بر جغرافیا، بلوک به تبعیت از دورکیم و تحت تأثیر جامعه‌شناسی ساختاری، برودل تحت تأثیر مارکس، و لدوری تحت تأثیر برودل به پژوهش در زمینه مسائل تاریخی پرداختند.

توجه به ساختارها، اعتقاد استوار به پیوند پایدار طبیعت و تاریخ، لزوم توجه به نقش همه حوزه‌های پژوهش در نقد و نگارش رویدادهای تاریخی از جمله ابداعات مورخان آنال است (فضلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۷-۴۸). آنها به مقابله با تاریخ سیاسی برخاستند، تاریخی که با برداشتی ناروا، به تاریخ بی‌حاصل زندگی شاهان، اغراق در نقش شخصیت‌ها در تاریخ، گزارش طولانی جنگ‌ها و سایر کشمکش‌ها و توطئه‌های این و آن علیه یکدیگر تبدیل شده بود (پیران، ۱۳۷۲: ۲۶)، و به اهمیت فهم گذشته و رای تاریخ سیاسی و دیپلماتیک و همچنین، روایت‌های وقایع تأکید کردند. مورخان آنال به ارائه جایگزین‌هایی برای تقدم و برتری «زیربنای اقتصادی» به‌مثابه عامل علی در تاریخ پرداخته، بر جغرافیا بیش از اقتصاد تأکید می‌کردند. مکتب آنال تسلط معاصر تاریخ سیاسی و دیپلماتیک و روایت وقایع را به نفع تاریخ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به چالش کشید و ساختارهای گسترده‌تر در تاریخ را دنبال کرد (مون، ۱۳۸۴: ۲۶).

این جهت‌گیری‌ها در بین تاریخ‌نگاران آنال تداوم نیافت و رفته‌رفته در نسل سوم آنال، به دلیل وجود انتقاداتی به رویکردهای کمی آن نسبت به تاریخ به‌ویژه تاریخ فرهنگی، تعدیل شد؛ و همچنین، در دهه ۱۹۷۰، واکنش عمومی علیه استیلای تاریخ

اجتماعی و ساختاری- که آنال بر آن استوار بود- روندهایی چون چرخش به سوی انسان‌شناسی، بازگشت به سمت مسائل سیاسی و احیای مجدد روایت شکل گرفت (برک، ۱۳۸۹: ۹۱). بازگشت به سیاست در نسل سوم واکنشی علیه برودل و نیز دیگر اشکال جبرگرایی (نمونه برجسته آن اقتصادگرایی مارکسیستی) بود. این مسئله با مفهوم فرهنگ سیاسی آرا و ذهنیت‌ها ترکیب شد. البته این بازگشت وامدار فوکو هم بود که «مسائل سیاسی خرد»، نزاع برای نیل به قدرت در خانواده، مدارس، کارخانه‌ها و مانند آن را بسط داد؛ و در نتیجه این دگرگونی‌ها، تاریخ سیاسی در جریان نوسازی قرار گرفت (همان: ۱۰۰).

### روش‌شناسی

مکتب آنال روش پژوهشی است که جهت‌گیری آن را می‌توان در چهار ویژگی به‌هم‌پیوسته خلاصه کرد. یکی از مشخصه‌های مکتب آنال این است که مکتبی ترکیبی، جامع، کل‌نگر، یا رهیافتی میان‌رشته‌ای است. پژوهشگران آنال جغرافیا، بوم‌شناسی (علم عادت و طرز زندگی موجودات و نسبت آنها با محیط)، اقتصاد، و جمعیت‌شناسی را با عوامل فرهنگی با هدف ارائه تصویری کلی از گذشته ترکیب کردند و همچنین، شرایط و موقعیت‌های متنوع و گوناگون زندگی مادی و باورهای جمعی یا فرهنگ را برای بازسازی جامع تمدن گذشته با هم درآمیختند (Kreuger and Neuman, 2006: 427). روش تاریخ تام و کامل اصلی‌ترین روش مکتب آنال به‌شمار می‌رود که تقریباً تمام آثار مشهور مورخان این مکتب بر اساس همین روش تدوین و تألیف شده است. منظور از تاریخ تام یا کامل نه به‌مفهوم تاریخ کل جهان بلکه به معنی ادغام همه انواع، روش‌ها و جنبه‌های تاریخ، یک تاریخ پیوسته (یعنی، بررسی پدیده‌ای در گستره زمانی طولانی) و یک رهیافت ساختاری- کارکردی متمرکز بر پیوستگی‌ها و نظام‌های جامعه است. در این روش، تلاش مورخ در راستای به‌چنگ آوردن کلیت و یکپارچگی ضروری از هر دوره یا جامعه تاریخی است. از نظر بلوک، روش تام و فراگیر روشی

است که بر اساس آن، باید مورخان به تمام جنبه‌ها و ابعاد مسائل و امور انسانی و نیز محیطی که این امور در آنها به وقوع می‌پیوندد، بپردازند (فضلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۸).

ویژگی و مشخصه دوم روش‌شناسی آنال توضیح ذهنیت‌های<sup>(۱۵)</sup> یک دوره تاریخی است؛ به دیگر سخن، ذهنیت‌ها عبارت است از جهان‌بینی، چشم‌انداز، یا مجموعه‌ای از مفروضات متمایز در مورد زندگی، یا الگوی کلی شناخت، باور و ارزش‌های خودآگاه یا ناخودآگاه که در آن دوره رایج بوده است. بنابراین، محققان تلاش می‌کنند تا چیدمان‌های کلی اندیشه مانند ماهیت و سرشت زمان، رابطه انسان‌ها با محیط مادی، چگونگی ساخته شدن حقیقت و مانند آن در یک دوره تاریخی را کشف کنند، رابطه‌ای که تجارب ذهنی درباره جنبه‌های بنیادی واقعیت را شکل داده‌اند (Kreuger and Neuman, 2006: 427). در واقع، ذهنیت‌ها در مکتب آنال به مفهوم الگوی آگاهی روزمره و فرضیاتی در زمینه زندگی معمولی است که در طول دوره تاریخی خاص، رایج و بر آن سایه افکنده است و به اندازه‌ای اهمیت دارد که به گفته لایروس<sup>(۱۶)</sup>، «مطالعه جامعه به هیچ وجه بدون مطالعه ذهنیت‌ها امکان ندارد» (برک، ۱۳۸۹: ۶۷).

سومین مشخصه رهیافت آنال این است که خاص بودن<sup>(۱۷)</sup> تاریخ عینی و محسوس را با نظریه انتزاعی ترکیب می‌کند. نظریه انتزاعی اشکالی از مدل‌ها یا ساختارهای اساسی را ارائه می‌دهد که رابطه علی یا اصول سازمان‌دهنده وقایع و رخداد‌های روزمره‌اند. تاریخ‌نگاران آنال در پی فهم روندها و جریان‌های عمیقی هستند که به وقایع ظاهری و کنش‌های فردی شکل می‌دهند.

آخرین ویژگی مکتب آنال این است که مزیت را در الگوها یا ساختارهای بلندمدت می‌بیند. برخلاف تاریخ‌نگاران سنتی که بر افراد یا وقایع و رویدادهای خاص در دوره‌های کوتاه‌مدت از چند سال تا چند دهه متمرکز می‌شدند، مورخان آنال تغییرات بلندمدت در الگوهای بنیادی و یا ساختارهای زندگی اجتماعی در طول یک قرن یا بیشتر را مورد توجه قرار می‌دادند، الگوهایی که پایدار باقی می‌مانند و به زندگی روزانه

شکل می‌دهند. آنها از اصطلاح «longue durée» استفاده می‌کردند، بدین معنی که یک مدت‌زمان طولانی یا یک دوره تاریخی در فضای جغرافیایی خاص مثلاً فئودالیسم در اروپای غربی یا قرون پانزدهم تا هیجدهم در منطقه مدیترانه مد نظر آنها بوده است (Kreuger and Neuman, 2006: 427-8).

در این میان، برودل زمان را در سه سطح تاریخی طبقه‌بندی می‌کند:

۱- تاریخ درازمدت یا ساختاری، که تاریخی تقریباً ساکن است و به مطالعه روابط انسان با محیط می‌پردازد. این سطح از تاریخ دارای جریانی بسیار کند است و به‌گونه‌ای می‌توان آن را «تاریخ زمین<sup>(۱۸)</sup>» نامید و تقریباً یک تاریخ بی‌زمان است که در آن، داستان روابط انسان با موضوعات بی‌جان مد نظر است؛ و به‌طور کلی، بررسی و پژوهش پیرامون تمدن‌ها، انسان‌ها و فناوری‌های پایدار در این نوع تاریخ جریان می‌یابد.

۲- تاریخ میان‌مدت یا ترکیبی، که به تاریخ اجتماعی و اقتصادی، گردش‌های جمعیتی و ناحیه‌ها، جوامع و ایدئولوژی‌ها می‌پردازد. این زمان دارای آهنگی آرام بوده، به تحولات اجتماعی و اقتصادی وابسته است.

۳- تاریخ کوتاه‌مدت یا تاریخ رویدادها، که تاریخی سنتی و بر مبنای وقایع‌نگاری بوده و بازتابی از تغییراتی تند و سریع است که در پی حوادث مختلف به‌ویژه تحولات سیاسی پدیدار می‌شود. یکی از دشواری‌های مهم تاریخ کوتاه‌مدت خطر تبدیل شدن آن به نوعی وقایع‌نامه است، حال آنکه تاریخ درازمدت سمت و سوی ساختاری دارد؛ یعنی، از چگونگی سازمان‌یابی رویدادهای بسیاری در دوره‌های زمانی مختلف ناشی می‌شود (فضلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۳).

به باور برودل، «چارچوب پژوهش، مسئله است» و «مسئله بزرگ من - که آن را حل کردم - این است که نشان دهم زمان با سرعت‌های متفاوت حرکت می‌کند» (برک، ۱۳۸۹: ۵۱).

### مکتب آنال و رهیافت میان‌رشته‌ای

مهم‌ترین ویژگی و مشخصه روش‌شناختی مکتب آنال رویکرد میان‌رشته‌ای آن است. هرچند، آثار تاریخ‌نگاران آنال لزوماً متمرکز بر موضوعات مشابه و استفاده از روش‌شناسی همگون نیست، اما آنها در تحقیقات خود از روش‌های پژوهشی مختلف همچون تاریخ تطبیقی، تاریخ ذهنیت‌ها، رویکرد دوره‌های بلندمدت، و رهیافت میان‌رشته‌ای استفاده کرده‌اند.

زمینه‌های ظهور رویکرد میان‌رشته‌ای در آنال را می‌توان در روند پویایی‌های مطالعات تاریخ جست‌وجو کرد. یکی از چشمگیرترین موضوعات در زمینه مطالعات تاریخ تخصصی در قرن بیستم گرایش تدریجی به سوی جامع‌نگری فزاینده در عمل و گزینش‌گری و تلفیق در مفهوم و روش بود. تغییراتی که در این زمینه رخ داده، تا حد زیادی مبتنی بر استفاده مورخان از مفاهیم و فنونی است که از سوی دانشمندان سایر رشته‌ها توسعه یافته است (Horn and Ritter, 1986: 427).

«تاریخ میان‌رشته‌ای»<sup>(۱۹)</sup> به معنی نوعی پژوهش تاریخی است که از روش‌ها و مفاهیم یک یا چند رشته دیگر تاریخ بهره می‌گیرد (ibid.: 428). حرکت میان‌رشته‌ای به ایجاد فضایی جدید کمک کرده است، که مکتب بلندآوازه آنال در زمینه تاریخ‌نگاری فرانسه ریشه در آن دارد. این حرکت از سوی لوسین فور و مارک بلوک بر مبنای این ایده آغاز شد که باید تاریخ به‌طور گسترده پذیرای یافته‌ها و روش‌های دیگر رشته‌ها- جغرافی، اقتصاد، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی- باشد و در عین حال، در برابر وسوسه تقسیم شدن به تعدادی از تخصص‌ها (مانند تاریخ اقتصادی و تاریخ ایده‌ها) که هر کدام روشی مستقل در پیش می‌گیرند، مقاومت کند (ibid.: 435). در واقع، مورخان آنال اساساً به‌خاطر بهره‌گیری از روش‌شناسی میان‌رشته‌ای شناخته شده‌اند. بسیاری از آنها از جمله مارک بلوک، فور، و برودل روش‌شناسی میان‌رشته‌ای را برای شناسایی شالوده‌های ساختاری جامعه به‌کار گرفته‌اند. از نظر دانشمندان آنال و نیز به باور فوکو، بررسی تاریخی ذاتاً میان‌رشته‌ای است؛ زیرا تقسیم دانش به سنت‌های مختلف

دانشگاهی خودسرانه و تمایز رشته‌ها از یکدیگر گمراه‌کننده بوده است. در این میان، بلوک بر اهمیت شناخت این موضوع تأکید می‌کرد که چگونه وقایع تاریخی برآیند عوامل چندگانه و چندوجهی است (Hepworth, 2009: 5). به‌طور کلی، آنها در صدد مقابله با تکه‌تکه کردن تاریخ در قالب تخصص‌گرایی و کشیدن دیواری نفوذناپذیر برگرد هر تخصص بودند؛ یعنی، مقابله با وضعیتی که مورخان هر شاخه فرعی از تاریخ‌نگاری در لاک حرفه‌ای خود فرورفته و با سایر شاخه‌ها بیگانه شده بودند (پیران، ۱۳۷۲: ۲۶).

این تفکر در اولین شماره مجله آنال تجلی یافت، به‌گونه‌ای که سردبیران آن به ابراز تأسف از حصارهای میان مورخان و کارگزاران دیگر رشته‌ها پرداخته، بر نیاز به تبادلات روشنفکری تأکید ورزیدند. در هیئت تحریریه مجله، نه‌تنها مورخان تاریخ قدیم و جدید بلکه جغرافی‌دان (آلبر دومانزو)<sup>(۲۰)</sup>، جامعه‌شناس (موریس هالبواکس)<sup>(۲۱)</sup>، اقتصاددان (شارل ریس)<sup>(۲۲)</sup> و دانشمند علوم سیاسی (آندره زیگفرید)<sup>(۲۳)</sup> نیز حضور داشتند (برک، ۱۳۸۹: ۳۲).

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای<sup>(۲۴)</sup> کاملاً متفاوت از چندرشته‌ای است. مطالعات میان‌رشته‌ای به مطالعه مسئله به‌طور کلی و از دیدگاه رشته‌های مختلف می‌پردازد؛ بر این اساس، تلاش می‌شود تا با استفاده از رویکردهای رشته‌های مختلف علمی، درکی جدید از مسئله مورد بررسی به‌دست آید (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۸: ۴۳). این پژوهش‌ها از نظر روش‌شناختی، کثرت‌گرا به‌شمار می‌روند، که به معنی استفاده از مجموعه‌ای از روش‌های تحقیق (کمی و کیفی) و تلفیق روش‌ها و فنون تحقیق است (حسنی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). تلفیق در مفهوم میان‌رشته‌ای به معنی فرایند ترکیب خلاقانه دیدگاه‌ها و بینش‌های مرتبط با یک مسئله پیچیده یا سؤال کانونی است. فرایند تلفیق دربرگیرنده تفکر کل‌گرا و عبارت است از توانایی درک چگونگی ارتباط ایده‌ها و اطلاعات رشته‌های مرتبط به همدیگر و نیز مرتبط به مسئله پژوهش. هدف تفکر کل‌گرا طرح مسئله و نظر به آن در وسیع‌ترین زمینه است (مهرمحمدی و کیزوری، ۱۳۸۹: ۹۹).

شیوه اصلی در کثرت‌گرایی روش‌شناختی سه‌گانه‌سازی است؛ یعنی، استفاده هدفمند از روش‌ها و نظریه‌های متعدد در مطالعه یک پدیده. انواع سه‌گانه‌سازی عبارت‌اند از: سه‌گانه‌سازی پژوهشگران، که شامل استفاده از چند پژوهشگر در یک مطالعه است؛ سه‌گانه‌سازی روش‌شناختی، که به معنی کاربرد روش‌های چندگانه برای مطالعه یک موضوع واحد است؛ سه‌گانه‌سازی داده‌ها، که شامل استفاده از انواع مختلف منابع داده‌ای در یک مطالعه است؛ و سه‌گانه‌سازی نظری، که به معنی کاربرد دیدگاه‌های نظری چندگانه برای تفسیر مجموعه‌ای واحد از داده‌هاست (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). به نظر می‌رسد که دو نوع سه‌گانه‌سازی داده‌ها و نظری در روش‌شناسی آنال عمومیت داشته و سه‌گانه‌سازی روش‌شناختی، به‌لحاظ غلبه رویکرد کمی و ساختاری به‌ویژه در نسل اول و دوم مورخان این مکتب، کمتر نمود داشته است.

#### **مکتب آنال در مطالعات روستایی فرانسه**

در زمینه به‌کارگیری رهیافت آنال در تاریخ‌نگاری روستایی، به سه اثر مهم می‌توان اشاره کرد: یکی، «تاریخ روستایی فرانسه: جستاری بر ویژگی‌های بنیادین آن»<sup>(۲۵)</sup> اثر مارک بلوک؛ دیگری، «دهقانان لانگدوک»<sup>(۲۶)</sup> اثر امانوئل لو روی لدوری؛ و سرانجام، اثر «جمهوری در روستا: مردم وار از انقلاب فرانسه تا جمهوری دوم»<sup>(۲۷)</sup> نوشته موریس آگولون<sup>(۲۸)</sup>. با نگاهی اجمالی به آثار تولید شده در این زمینه، می‌توان به الگو و نمونه‌ای عملی برای آشنایی و نیز استفاده از این مکتب پژوهشی در مطالعات روستایی ایران دست یافت.

بلوک نخستین کسی بود که تلاش کرد به ترکیبی در زمینه همه جنبه‌های جهان روستایی دست یابد. تاریخ روستایی فرانسه به‌مثابه مطالعه ترکیبی فنون و رسوم روستایی تعریف شده که در زمان خود، پژوهشی نامرسوم بود. بلوک، به‌جای محدود کردن خود به نهادهای سنتی و جنبه‌های قانونی، به دنبال درک کلیت تاریخ روستایی فرانسه رفت و همچنین، به‌جای تکیه بر صندلی دانشگاهی در پاریس، بیشتر در مناطق

روستایی فرانسه جست‌وجو می‌کرد تا به ذهنیت دهقانان نفوذ کند. ایده‌آل وی در ترسیم چشم‌انداز تاریخی واحد استفاده از تجربه و دانش محلی بود. او خود را در ادبیات تمام رشته‌های مرتبط با زمین و جوامع زراعی از قبیل کشاورزی، نقشه‌کشی، اقتصاد، جغرافیا، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگ عامه غوطه‌ور ساخت و درصدد پاسخ به هایی از این دست برآمد: چرا روستایی توسعه یافته و دهکده‌ای در جای دیگر کوچک باقی مانده است؟ چرا برخی از نوآوران را کشاورزان تشکیل می‌دهند؟ چرا الگوهای برداشت محصول، از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر، متفاوت است؟ (Swierenga, 1981: 213).

کاربرد روش‌مند منابع غیرمکتوب مانند نقشه‌های ملکی از سوی بلوک نامعمول بود و برداشت گسترده‌ای از «فرهنگ روستایی» - اصطلاحی که او برگزیده بود - بر این واقعیت تأکید دارد که وجود نظام‌های متفاوت ارضی و زراعی را تنها نمی‌توان به لحاظ محیط طبیعی توصیف کرد. تاریخ روستایی فرانسه شاید مشهورترین اثر برای به اصطلاح «روش پسگرا» باشد. بلوک برای «درک واپس مانده‌های تاریخ» بر این پایه تأکید داشت که ما باید درباره دوره‌های بعدی بیشتر بدانیم و این تنها راه عقلانی برای دستیابی به شناخت ناشناخته‌هاست (برک، ۱۳۸۹: ۳۴).

کتاب «دهقانان لانگدونک» نمونه‌ای برجسته از تاریخ جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی است که به شیوه مرسوم دهه ۱۹۶۰ نگاشته شده و نمونه‌ای از مطالعات منطقه‌ای موافق با آنالی‌ها به‌ویژه بر مبنای دنیای مدیترانه‌ای برودل است. لدوری از برجسته‌ترین شاگردان برودل است که در به‌کارگیری رویکرد چندرشته‌ای، دلبستگی به مسائل بلندمدت، و برخورداری از احساسی مشخص نسبت به مارکسیسم، مانند وی عمل کرده است. این مطالعه به بررسی دوره زمانی ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ پرداخته و از روش‌های کمی بهره فراوان برده است؛ و نه تنها نوسان قیمت‌ها و میزان موالید، ازدواج‌ها و مرگ‌ومیرها بلکه مواردی چون روندهای توزیع ثروت و تولیدات کشاورزی را نیز بررسی کرده است. این کتاب با گزارشی از جغرافیای لانگدونک آغاز



می‌شود و به تشریح رشد اقتصادی منطقه و پیشرفت‌های فرهنگی و واکنش‌های عامه مردم این منطقه به آن دسته از روندهای اقتصادی می‌پردازد که افراد در زندگی خود تجربه می‌کردند (همان: ۷۲-۷۴).

اثر جمهوری در روستا مطالعه‌ای در مورد رفتار سیاسی مردم عادی در روستای وار در طول سال‌های ۱۷۸۹ تا ۱۸۵۱ است. این مطالعه یک چارچوب مارکسیستی گسترده را در بررسی رشد آگاهی سیاسی این اجتماع به کار گرفته است. موریس آگولون سال-های ۱۸۱۵ تا ۱۸۴۸ را به‌منزله دوره آماده‌سازی توصیف کرده که در آن، نزاع بر سر تعدی به حقوق مردم به‌ویژه در مورد تصاحب چوب‌های جنگل و نیز گسترش باسوادی و توسعه افق‌های فرهنگی در جریان بوده است، دوره‌ای که موجب رشد آگاهی سیاسی این منطقه شد؛ همچنین، سال‌های کوتاه جمهوری دوم یعنی، ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱ را سال‌های مشارکت سیاسی مردم معرفی کرده است، چرا که مردم وار نخستین دوره رأی دادن را تجربه کرده‌اند و البته جهت‌گیری رأی آنها نیز به‌سوی چپ‌ها بوده است.

### نتیجه‌گیری

مطالعات روستایی در ایران، به‌دلیل غلبه برخی رویکردهای پژوهشی و فقدان تعامل رشته‌های دانشگاهی موجود، با مشکلات و موانعی در زمینه فهم برخی مسائل روستایی مواجه است. در این میان، به تاریخ روستایی نیز به‌دلایل فرهنگی و روش‌شناختی، بی‌توجهی شده است. برای رفع بخشی از این مشکلات پژوهشی در مطالعات روستایی، می‌توان از مکتب آنال به دو صورت در پژوهش‌های جدید روستایی کمک گرفت: یکی، آنال به‌مثابه سنت تاریخ‌نگاری؛ و دیگری، آنال به‌مثابه رهیافت پژوهشی میان‌رشته‌ای.

در شیوه «آنال به‌مثابه سنت تاریخ‌نگاری»، با به‌کارگیری مکتب آنال، می‌توان بین سنت‌های پژوهشی مسلط و غالب جغرافیایی و جامعه‌شناختی در مطالعات روستایی

حفره‌ای ایجاد کرد و بررسی‌های تاریخی را بدین حوزه پژوهشی کشاند تا به کمک آن، به نوشتن تاریخ اجتماعی روستایی در ایران همت گماشت. در واقع، این موضوع به‌منزله نفی مطالعات جامعه‌شناسی و جغرافیا و کشاورزی نیست، بلکه بدن معنی است که با مطالعه تاریخی می‌توان بار دیگر به تفسیر داده‌های به‌دست آمده از این پژوهش‌ها پرداخته، به ایده‌ای نو دست یافت. فهم بسیاری از مسائل روستایی تنها از طریق بررسی و ترسیم تاریخ جامع روستایی که همزمان ساختارها و ذهنیت‌ها را مد نظر قرار می‌دهد، امکان‌پذیر است.

در شیوه «آنال به‌مثابه رهیافت پژوهشی میان‌رشته‌ای»، «برای انجام پژوهش به شیوه آنال، باید محقق دارای جهت‌گیری منحصربه‌فرد نسبت به تاریخ باشد، به‌گونه‌ای که به مطالعه وقایع و رخدادها در زمینه و بستر گسترده تاریخی بپردازد و همچنین، ویژگی محسوس و عینی زندگی روزمره را با نظریه‌سازی انتزاعی درآمیزد و درباره ساختارهای اساسی نظریه‌پردازی کند، با جدیت به ذهنیت‌های متفاوت گذشته تأکید ورزد و سرانجام، تلفیقی جامع و کل‌نگر در زمینه انواع گوناگون داده‌ها در پیش گیرد» (Kreuger and Neuman, 2006: 428). با استفاده از این رویکرد پژوهشی می‌توان از دستاوردها، ظرفیت‌ها و غنای سنت‌های غالب پژوهشی روستایی بهره گرفت و پژوهش‌های روستایی را با استفاده از مفاهیم، روش‌ها و یافته‌های رشته‌ها و رهیافت‌های موجود و همچنین، تلفیق دیدگاه‌های حاصل از سنت‌های مختلف علمی و معرفی چشم‌اندازهای نظری جدید تقویت کرد. در این میان، با بهره‌گیری از رهیافت میان‌رشته‌ای این مکتب، می‌توان شکاف و حفره بین تخصص‌گرایی رشته‌های دانشگاهی از جمله جغرافیا، کشاورزی و جامعه‌شناسی روستایی را پر کرد، به‌گونه‌ای که بخشی از مطالعات روستایی به سمتی سوق یابد که «روستا به‌مثابه میدان مطالعه» و «زندگی روستایی به‌مثابه نظام اجتماعی» در نظر گرفته شود تا از این رهگذر، زمینه فهم و تحلیل رفتار و اعمال مردمان روستایی در دوره‌های مختلف تاریخی فراهم شود.

## یادداشت‌ها

1. Annales School
2. interdisciplinary approach
3. Henri Mendras
4. urban-oriented
5. Eugen Weber
6. Michèle
7. Francois Simiand
8. David Émile Durkheim
9. Marc Bloch

۱۰- از جمله آثار تاریخی که به پژوهش مستقیم یا غیرمستقیم جامعه روستایی می‌پردازند، عبارت‌اند از: «تاریخ کشاورزی ایران» (۱۳۳۰)، تقی بهرامی؛ «کشاورزی و مناسبات ارضی ایران عهد مغول» (۱۳۴۷)، ایلیاپاولیچ پطروفسکی؛ «نظام‌های بهره‌برداری در ایران» (۱۳۵۴) و «دهقانان، زمین و انقلاب» (۱۳۶۱)، احمد اشرف؛ «تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران» (۱۳۵۴) و «تکوین سرمایه‌داری در ایران» (۱۳۶۰)، محمدرضا فشاھی؛ «نظام ارباب و رعیتی در ایران» (۱۳۵۷)، محمد سوداگر؛ «تکامل فئودالیسم در ایران» (۱۳۵۸)، فرهاد نعمانی؛ «اقتصاد سیاسی ایران» (۱۳۶۶)، «استبداد، دموکراسی و نهضت ملی» (۱۳۷۲)، و «تضاد دولت و ملت؛ نظریه تاریخ و سیاست در ایران» (۱۳۸۰)، محمدعلی کاتوزیان؛ «ایران پیش از سرمایه‌داری» (۱۳۸۰)، عباس ولی؛ «مقاومت شکننده» (۱۳۷۷)، جان فوران؛ «مالک و زارع در ایران» (۱۳۶۲)، لمبتون؛ «مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران» (۱۳۵۹)، باقر مؤمنی؛ و «زمین و انقلاب در ایران» (۱۳۸۱)، اریک هوگلاند.

11. Lucian Febvre
12. Fernand Braudel
13. Emmanuel Le Roy Ladurie
14. Paul Vidal de la Blache
15. Mentalities
16. Ernest Labrousse
17. specificity
18. geohistory
19. interdisciplinary history
20. Albert Demangeon
21. Maurice Halbwachs
22. Charles Rise
23. André Siegfried
24. interdisciplinarity /cross-disciplinary
25. French Rural History :An Essay on Its Basic Characteristics
26. The Peasants of Languedoc
27. The Republic in the Village :The People of the Var from the French Revolution to the Second Republic
28. Maurice Agulhon

## منابع

- برک، پی. (۱۳۸۹)، *انقلاب تاریخ‌نگاری فرانسه (مکتب آنال ۱۹-۱۹۲۹)*، ترجمه کامران عاروان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- پیران، پ. (۱۳۷۲)، «مفهوم تام و تمام انسان: نگاهی به دیدگاه تاریخ‌نگاری آنال»، در: فرنان برودل، *سرمایه‌داری و حیات مادی ۱۴۰۰-۱۸۰۰*، ترجمه بهزاد باشی، تهران: نشر نی.
- حاج‌یوسفی، ا. (۱۳۸۸)، «میان‌رشتگی در علوم سیاسی در دانشگاه‌های کانادا: مفهوم و اجرا»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، سال ۱، شماره ۲ (بهار)، صص ۴۱-۶۴.
- حسنی، م. (۱۳۸۹)، «درآمدی به روش‌شناسی تلفیقی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی». *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، سال ۲، شماره ۴ (پاییز)، صص ۱۳۷-۱۵۳.

- طالب، م. (۱۳۸۳)، «جایگاه رشته‌های مختلف علوم اجتماعی در مطالعات روستایی». *نامه انسان‌شناسی*، سال ۱، شماره ۵، صص ۴۰-۶۴.
- طالب، م. و عنبری، م. (۱۳۸۵)، «بررسی جایگاه و نقش مطالعات بین‌رشته‌ای در مطالعه جوامع روستایی با تأکید بر ایران». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۹، شماره ۳، صص ۳۵-۵۴.
- عنبری، م. (۱۳۸۷)، «تحلیل مسائل و کاستی‌های پژوهش‌های نوین در جامعه‌شناسی توسعه روستایی ایران». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۱، شماره ۱ (بهار)، صص ۱-۳۳.
- فضلی‌نژاد، ا. (۱۳۸۷)، «پژوهشی در روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری مکتب آنال». *نامه تاریخ-پژوهان*، سال ۴، شماره ۱۶ (زمستان)، صص ۴۷-۸۱.
- قهرمانی، م. (۱۳۸۹)، «ملاک‌های سنجش و ارزشیابی فعالیت‌ها و تکالیف آموزشی در برنامه درسی بین‌رشته‌ای». *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، سال ۲، شماره ۴ (پاییز)، صص ۱۲۳-۱۳۶.
- مون، دی. (۱۳۸۴)، «انقلاب در تاریخ‌نگاری فرنان برودل و مکتب آنال». ترجمه عزت‌الله فولادوند، *مجله فرهنگی و هنری بخارا*، (سال ۸، شماره ۲، مهر و آبان)، صص ۲۴-۳۴.
- مهرمحمدی، م. و کیدوری، ا. (۱۳۸۹)، «شاخص‌های ارزیابی کیفیت میان‌رشته‌ای‌های دانشگاهی؛ ابزاری برای برنامه‌ریزی». *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، سال ۲، شماره ۲ (بهار)، صص ۸۹-۱۱۲.
- وودز، ام. (۱۳۹۰)، *جغرافیای روستایی (فرایندها، واکنش‌ها و تجربه‌های بازساخت روستایی)*. ترجمه محمدرضا رضوانی و صامت فرهادی، تهران: دانشگاه تهران.
- Hepworth, K. (2009), "Developing an interdisciplinary, discursive methodology to 'See' government emblems". Available on: [http://academia.edu/197111/Developing\\_an\\_Interdisciplinary\\_Discursive\\_Methodology\\_to\\_See\\_Government\\_Emblems](http://academia.edu/197111/Developing_an_Interdisciplinary_Discursive_Methodology_to_See_Government_Emblems). Retrieved at: 29/06/2013.
- Horn, T. C. R. and Ritter, H. (1986), "Interdisciplinary history: a historiographical review". *The History Teacher*, Vol. 19, No. 3, pp. 427-448.
- Kreuger, L. W. and Neuman, W. L. (2006), *Social Work Research Methods with Research Navigator*. United States, Boston: Allyn and Bacon.
- Swierenga, R. P. (1981), "The new rural history: defining the parameters". *Great Plains Quarterly*, Vol. 1, No. 4 (Fall), pp. 211-23.

- Saltiel, J.; Bander, J. W.; and Palchovich, S. (1994), "Adoption of sustainable agricultural practices: diffusion, farm structure and profitability". *Rural Sociology*, Vol. 57, No. 2, pp. 333-342.
- Senanayake, R. (1991), "Sustainable agriculture: definitions and measurement". *Journal of Sustainable Agriculture*, Vol. 1, No. 4, pp. 7-28.
- Sharghi, T.; Sedighi, H.; and Roknoddin Eftekhari, A. (2010), "Effective factors in achieving sustainable agriculture". *American Journal of Agricultural and Biological Sciences*, Vol. 5, No. 2, pp. 235-241.
- Sharma, L. K.; Chandargi, D. M.; and Khurana, G. S. (2002), "Farmer's characteristics and adoption of Kharif maize technology". *Indian Journal of Extension Education*, Vol. 38, No. 102, pp. 88-89.